

شکل دهد. از جمله این مصادیق، شکوفه بر روی درخت بود. شکوفه اگر بر روی درخت بماند و از درخت جدا نشود به میوه تبدیل می شود و اگر بیافتد ابتر می ماند. مصداق بعدی کسانی هستند که وارد کشتی نوح شدند. آنهایی که سوار نشدند ابتر (هلاک) شدند... اگر بتوان پدیده ها را به کوثر تبدیل کرد آنگاه می توان متنی نوشت که یک روستایی یا کسی که از تکنولوژی خاصی برخوردار نیست آن را فهم کند یا به نوعی متن هم سو با فطرت انسان می شود. متن سوره کوثر باید دو ویژگی داشته باشد: ۱. عنصر کوثر و ماندگاری و جریان آن. ۲. عنصر

کاشفک

• پیشکش از گردان ادبی

به بهانه سوره کوثر

دم به دم که نفس می کشی کوثر عطا می شود. نفس را در گلو حبس کرد ابتر شد.

تک خوشه

اتمام حجت

شب آخر بود، همه می دانستند که فردا شهید خواهند شد و به سخنان او با دل و جان گوش می دادند، همه هر آنچه که بود را پذیرفته بودند. محبت امام در دل آنها ریشه دوانیده بود. شب، شب اتمام حجت بود.

• ناخدا با شاه



تاکنون به حس مجاهدان آن شب فکر کرده ای؟ تا حالا خواسته ای با آنها هم حس شوی؟ خودت را جای آنها گذاشته ای؟ کسی غیر از آنها کنار امامشان نبود؟ آنها حاضر بودند تمام هستی شان را تقدیم امام و راه امام کنند. اینچنین مجاهدانی وقتی وارد معرکه نبرد بنگر که چقدر کارهایت غبار غیبت از چهره امام می شوید، تو، به همان اندازه به او نزدیک.

سخت شدند از یک صبح تا ظهر تمام زیبایی های بالغ هستی را به تصویر کشیدند. «لبیک یا حسین» آنها «لبیک یا حسین» بود. خود را چقدر به این پدیده نزدیک می بینی؟ آرام آرام نزدیک شو.

فکر کن فقط تو هستی. فقط تو کنار امامت هستی. امام دارد فقط با تو اتمام حجت می کند. خطاب امام با توست. آن وقت حالت چگونه می شود؟ حالت خوش نمی شود از اینکه بدانی به کار امامت می آیی؟ از اینکه تاختن تو در معرکه ی پربازی دنیا لبخند را بر لبان ایشان بنشانند. امام می خواهد تمام خوبی ها بر پیکره ساختار وجودیت به تمامی نقش ببندد. وجودت در مسیر حق بالغ شود. نه تنها وجود تو که وجود تمام آدم ها با به عبارتی جامعه. قدم به قدم باید به او نزدیک شد و محبت به ایشان رمز ماندگاری در این مسیر است. محبت است که خرد را بارور می کند. محبت است که انس را مضاعف می کند. محبت است که تمام سحرها را باطل می کند. محبت است که او پس قرنی را محبوب قلب پیامبر (صلی الله علیه وآله) می کند. محبت است که توان یک مرد را به اندازه چهل مرد یا بیشتر افزون می کند. با محبت به امام هر پدیده ای دیدنی و شنیدنی است. حال بنگر که چقدر کارهایت غبار غیبت از چهره امام می شوید، تو، به همان اندازه به او نزدیک.

در تارنمای کاشف بخوانید!

دانشمندان قرآنی، از گردان سلمان فارسی، آیلار صدق آراء



صاحب امتیاز: احمد رضا اخوت

مدیر مسئول: فاطمه قنبریان

سر دبیر: نعیمه پور صالحی

هیأت تحریریه: دانشجویان مدرسه قرآن و عترت (علیهم السلام) (کاشفیون)

کاشف

کاشف

چهارشنبه
۱۷ اسفند ۱۳۹۰
مدرسه دانشجوی قرآن و عترت
دانشگاه تهران
شماره ۴۱
۱۴ ربیع الثانی ۱۴۳۳
KashefNews@Live.com
سال اول

برای عضویت در گروه خبرنگاران افتخاری کاشف نام خود را همراه با عبارت «خبرنگار» به شماره ۰۹۱۹۳۱۰۳۹۴۹ پیامک کنید.



رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود:

ثَلَاثَةٌ يَضْحَكُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ: الرَّجُلُ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ يَصَلِّي، وَالْقَوْمُ إِذَا صَفَوْا فِي الصَّلَاةِ، وَالْقَوْمُ إِذَا صَفَوْا فِي قِتَالِ الْعَدُوِّ.

خداوند از سه کس بسیار راضی است؛ آن که در شب به نماز ایستد، آنان که در صف نماز جماعت ایستند، و آنان که در صف سربازان اسلام در میدان جنگ شرکت کنند.

تحریر المواعظ العددية، ص: ۳۳۹

• **فاطمه رجبعلی**

کالیت

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

به‌نام ســـلام

قتال در جهاد نرم

و فرمود(صلی‌الله‌علیه‌واله): هر که دست از کشتن مار بدارد از ترس دوزخ، البته کافر است؛ یعنی کافرِ فرمان من است، چون فرمان به کشتن آن داده‌[شده است].

<div><div> </div></div>	آسمان و جهان (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الأنوار جلد ۵۴) ؛ ج۸ ؛ ص۱۹۹	<div><div> </div></div>
---	---	---

جوّ حمایت از محیط زیست و حقوق جانداران شما را نگیرد. مراقب باشید! قداست جانی که خداوند به یک جاندار بخشیده است هم زیر سؤال نرفته است. قبول دارم این روایت کمی خالی از جنبه‌های گوگوری و مگوری است. یک هشدار! خواندن این روایت نباید منجر به تشکیل انجمن مارکُشانِ مسلمان شود. لطفاً به استناد سوء برداشت از این روایت، نسل مار را از جایش درنیاورید. مار را همان مصداق شناخته شده نزد همگان در نظر بگیرید و معنای آن را هم با مصادیق متعدد منطبق‌نکنید.

پس‌زمینه را مورد ملاحظه قرار دهید تا نه سنگدل باشید و نه عارف سرگشته در وادی هپروت. دقت کنید برخی

پیش‌خوان دم‌عید...

پشت پنجره

سناریوی عبودیت

بر سه نکتات و دقایقه از دعا از منظر قرآن، استاد رحیمه

آیات ۲۸۵ و ۲۸۶ سوره مبارکه بقره، ایمان رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به قرآن کریم و به همه آنچه از اصول معارف و فروع احکام الهی است را بیان می‌کنند و سپس مؤمنین را به وی ملحق می‌نمایند، نه تنها معاصرین بلکه جمیع مؤمنین از امت وی. لذا اقرار و ثنا و دعا در این آیات زبان حال است به این معنا که بیانگر بیوگرافی و سیره رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است و مؤمنین نیز بواسطه ایمان جزو شاخه‌های این شجره طیبه مبارکه می‌باشند. هر اندازه اعمال، رفتار و صفات یک فرد میوه‌های درخت رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد به همان اندازه مؤمن است یعنی کسی که راست می‌گوید عمل رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را انجام داده است و میوه‌ای از شجره طیبه رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

هر اندازه اعمال، رفتار و صفات یک فرد میوه‌های درخت رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد به همان اندازه مؤمن است.

اهل کتاب بین ملائکه خدا فرق گذاشته، جبرئیل را دشمن و سایرین را دوست داشتند و در بین کتب آسمانی به قرآن کفر ورزیده و به غیر آن ایمان آوردند و در بین پیغمبران خدا به موسی یا به عیسی(علیهم‌السلام) ایمان آورده و به محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کفر ورزیدند

شبه‌رأفت‌ها تبدیل به نیشی می‌شود که در نیمه شب و در بستر خواب و یا در یک غروب دل‌انگیز هنگام نگاه کردن به خیابان از پشت پنجره، یا ظهری آرام بعد از صرف ناهار، ما را از پای در خواهد آورد. اگر کسی در بیابانی متعرض ماری نشود و با خود بگوید حیوان که آزاری ندارد من هم به او کاری ندارم منطقی است، اما گذشتن از او در محیط زندگی با تفسیر عارفانه و استناد به دین خدا و به میان کشیدن بهشت و جهنم معنای دیگری دارد. خداوکیلی با این روحیه، فاصله تا مجاهد عرصه جهاد نرم بسیار است.

<div><div> </div></div>	مجاهدان رثوف در جهاد نرم، باید آماده قتال نیز باشند تا در صورت لزوم از دین خدا دفاع کنند.	<div><div> </div></div>
---	--	---

نظر داشته باشیم، زیرا جهاد نرم به هیچ وجه از جهادی که ملازم با قتال باشد جدا نیست و مجاهد جهاد نرم همان مجاهدی است که در صورت لزوم و با وجود رأفت و رحمتش نسبت به همه جانداران، مکلف به قتال می‌شود. اما کدام روحیه متناسب با غایت یاد شده است؟
باور کنید اگر در بیابانی ما باشیم و یک گوسفند و از گرسنگی هم بمیریم، توان ذبح گوسفند را نداریم. ذبح گوسفند پیش‌کش، دلِ خوردن یک دست کله‌پاچه را

چهار شنبه۱۷ اسفند ۱۳۹۰
سال اول ۴۱ ربيع‌الثانی۱۴۳۳
شماره

هم نداریم. کافی است دو نفر با هم بحث و بگو و مگو داشته باشند و صدایشان کمی بلند شود، رنگ از رخسار ما می‌پرد. کمی انتقاد تند کافی است تا منتقد را اگر پدر باشد از پدری، اگر برادر باشد از برادری و اگر همسر باشد از همسری، ساقط کند. ارزش دعوای میان دو نفر را نمی‌دانیم؛ دعوائی که گاهی کینه‌ها و کدورت‌های همچون دمل چرکین را، مانند نشستری جراحی می‌کند، دعوائی که می‌تواند به یک آشتی دلچسب و یک صمیمیت عمیق منجر شود. نمی‌خواهم دعوت به خشونت کنم اما فکشرش را بکن، عقیده‌های ما برایمان ارزش فریاد کشیدن را ندارند. باور کنید که رگ غیرت الزاماً چسبیده به عصبانیت و خشم نیست، شاید به حکمت و مصلحت نزدیکتر باشد.
بله به اقتضای همین حکمت و مصلحت مجاهدان رثوف در جهاد نرم، باید آماده قتال نیز باشند تا در صورت لزوم از دین خدا دفاع کنند.

امام سجاد(علیه‌السلام) فرمود:

<div><div> </div></div>	«اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العاهة و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوة رجل منهم قوة اربعين رجلاً و يكونون حكام الارض و سنامها»	<div><div> </div></div>
	مشكاة الأنوار، ص۷۹	

<div><div> </div></div>	عین‌الکاشف: مقرر شده که نشریه کاشف دو هفته اول سال ۹۱ را به دید و بازدید و خانه‌تکانی و مسافرت و مسائلی از این قبیل پرداخته و از حضور دوستان مرخص گردد. لذا شماره ۴۳ کاشف را هفته سوم فروردین از مدرسه قرآن دریافت کنید. در خبر است که کلاسهای مرکز آموزش هفته بعد هم برگزار خواهند شد مگر کلاس مقدمات تدبر روز سه‌شنبه.	<div><div> </div></div>
---	---	---

و به بعضی از آنچه در کتاب خدا است ایمان آورده و به بعضی دیگر کفر ورزیدند، و این آیات اشاره می‌کند که مؤمنین از این امت چنین نیستند بلکه اینان با تسلیم در برابر معارف حق‌ه‌ای که به ایشان القا شده نسبت به پروردگار خود ادب را رعایت می‌کنند، دیگر اینکه خدا را در احکامی که بر پیغمبرش نازل فرموده ﴿سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا- شنیدیم و اطاعت کردیم﴾ می‌گویند، نه چون یهود که گفتند:﴿سَمِعْنَا وَ عَصَيْنَا- شنیدیم و عصیان کردیم﴾، دیگر اینکه خود را بندگانِ مملوکِ پروردگار خود می‌دانند و به ایمان و اطاعتشان منت بر او نمی‌نهند، بلکه می‌گویند:﴿غُفْرَانَكَ رَبَّنَا﴾ نه چون یهود که از روی بی‌اعتنایی گفتند: ﴿سَيَغْفِرَ لَنَا- خدا از ما می‌گذرد﴾ و یا گفتند:﴿إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَ نَحْنُ أَغْنِيَاءُ- بدرستی که خدا فقیر است و ما بی‌نیاز﴾ و یا گفتند:﴿لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً- هرگز آتش را با ما کاری نباشد مگر چند روزی﴾. بنابراین هر میزان از این صفات نکوهیده در رفتار و کردار انسان باشد جزء یهودیان است یعنی سلوک زندگی‌اش ترجمان عملی گفتار یهود است، لذا از خداوند متعال مسئلت داریم ما را در زمرة مؤمنین به رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) محشور گرداند.

بنگر شکوه بیست‌را!

کلاس ختم مفهومی قرآن استاد اخوت، شنبه‌ها، سوره مبارکه حج

آنکه راهی سفر حج می‌شود، تمام سختی‌ها و بلاهای این راه را به جان می‌خرد، تا ساحت بندگی را با تمام وجودش درک کند، تا احرام ببندد، تا بتواند وارد حرم امن الهی گردد... آنکه وارد حرم امن الهی می‌گردد، مَحرم خواهد شد.

کالیت

هفته‌نامهٔ فرهنگی، خبری مدرسهٔ دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

سوره مبارکه حج، سوره مُحرم شدن است. سوره ای است که با رعایت اصول آن، می‌توان تمام عرصه حیات را حرم امن الهی گردانید.

بنده‌ای که عاشق اوست نه فقط در سفر حج، بلکه در تک‌تک لحظات عمرش، با عقل و خرد

<div><div> </div></div>	سوره مبارکه حج، سوره مُحرم شدن است. سوره ای است که با رعایت اصول آن، می‌توان تمام عرصه حیات را حرم امن الهی گردانید.	<div><div> </div></div>
---	---	---

خویش، احرام می‌بندد و لبیک گویان عمری را در طواف ولایت حق و در سعی مخلصانه برای رسیدن به او، نفس نفس می‌زند: تا آنکه قلبش می‌شود حرم امن الهی... که عرش خدای رحمان، در زمین و زمان نمی‌گنجد... که قلب مؤمن، عرش خدای رحمان است. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّثِيرٍ﴾ آیه ۸ سوره مبارکه حج. در این آیه کریمه، سه راه مهم برای رسیدن به حريم امن الهی در صحنه حیات، معرفی شده است:

۱) علم: به معنای باورهای یقینی و ادراکات صحیح است. آنکه در حیاتش، خود را از علم محروم کند، دچار ظن می‌گردد.

۲) هدایت: به معنای دلالت به حق و تبعیت از آن است. آنکه خود را در معرض هدایت الهی قرار ندهد، دچار ضلالت می‌گردد.

۳) کتاب: به معنای نقشه راه و قوانین ثابت است. آنکه وجود کتاب را در زندگی نادیده گیرد، دچار بی‌قانونی و تبعات ناشی از آن می‌شود.

بنابراین ظن، ضلالت و بی‌قانونی بی‌راهه‌هایی هستند که به مجادله با خدای تعالی ختم می‌شوند. به عبارت دیگر، هرکه در سه حوزه علم، هدایت و کتاب، مخدوش عمل کند، دچار مجادله با خدای تعالی می‌شود و آنکه با خداوند مجادله کند، تحت ولایت شیطان خواهد بود. پس طواف اول در این سوره، طواف به دور چهار رکن تقوا، علم، هدایت و کتاب است... قلب ها را اسپیدپوش کنیم: لبیک،لبیک،اللهم لبیک...

خانوادگانه

هنوز هم تو را داریم...

برداشتی از جلسات خانوادگی، چهار شنبه‌ها، مدرسه قرآن

<div><div> </div></div>	امیرالمؤمنین (علیه‌السلام):	<div><div> </div></div>
	<i>برترین بی‌نیازی و دارایی، نومییدی است از آنچه در دست مردم است. نهج‌البلاغه، حکمت ۳۴۲</i>	

یا مُعْنی یا مُعْطی

در روزگار شلوغ و پرازحامی که طلا و سکه و دلار، محور اصلی بسیاری از مناسبات و مراودات اجتماعی شده است، در روزگار گلدکوثست و سانتافه و کاپوچینو، درست در همان زمانه متجددی که اینترنت و رسانه و اسکار و گلدن کلوپ به رتبه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی آدم‌ها وجاهت و تشخیص می‌دهد، نشستن پای چشمه مصفاى کلام امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) آن چنان روح خسته و جان نفس نفس‌زده انسان را جلا می‌دهد که دیگر نمی‌خواهد این روای شیرین هرگز به پایان برسد.

اگرچه شاید انسان در مسیر زندگی بالاخره متوجه این نکته شود که نیاز، سرتاپای وجودش را فرا گرفته است، اما آنچه

خوشه چینان

بدون شرح...

از گردان ادبی امام سجاد(علیه‌السلام) سوره مبارکه کوثر

چهار شنبه۱۷ اسفند ۱۳۹۰
سال اول ۴۱ ربيع‌الثانی۱۴۳۳
شماره

حاجے مجاهد!

از گردان مالک اشتر

در روایات است که، اگر کسی با شرایط خاصی که در مناسک زیارت بیان می‌شود، بارگاه معصوم را زیارت کند، در هر قدمی که برای زیارت بر می‌دارد، ثواب حج و عمره دارد.

به حرم امام غریب که میرسی، ادب می‌کنی و اذن دخول می‌خوانی: ﴿اللهم إني وقفت علي باب من أبواب بيوت نبيك صلواتك عليه و آله و قد منعت الناس أن يدخلوا إلا بإذنه فقلت: يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم...﴾

<div><div> </div></div>	هر کس در راه قرآن قدم بردارد، مجاهد است.	<div><div> </div></div>
---	---	---

رنج سفر به خودت می‌دهی، به میقات می‌روی، محرم می‌شوی، لبیک می‌گویی، شب تاصبح، از میقات تا معبد، لبیک می‌گویی، پابه حرم که می‌گذاری به سجده می‌افتی، به شوق وصلش به طواف می‌روی، نماز طواف می‌خوانی، سعی می‌کنی بین صفا و مروه، گاه قدم می‌زنی، گاه می‌دوی برای رسیدن، هفت بار می‌روی و برمی‌گردی، خسته نمی‌شوی، نا امید نمی‌شوی، به فراز که می‌رسی تقصیر می‌کنی، مجاهد زائر خدا هنوز کارش تمام نشده، دوباره برمی‌گردد، طواف می‌کند و نماز می‌گزارد. مجاهد زائری که خسته نشود، حاجی می‌شود، می‌شود حاجی مجاهد! این پا و آن پا می‌کنی، اذن دخول می‌خواهی: آدخل یا رسول الله، آدخل یا حجة الله، آأدخل یا ملائكة الله المقربين المقيمين في هذا المشهد?... اذن که گرفتی و قدم که برمی‌داری، حاج می‌شوی. حاجی‌مجاهد!

هر کس در راه قرآن قدم بردارد، مجاهد است. مجاهد مقصدش زیارت مولی است. اگر مقصد زیارت باشد، هر قدم که برمی‌دارد برای رسیدن به ضریح، عمره به جا آورده است. مجاهد با هر قدم حاجی می‌شود. حتی اگر مکه را هم ندیده باشد.

مجاهد تنها کافی است قصد زیارت کند. و قدر هر قدمش را بداند. قدر هر قدمش یک عمره است...

نکته مهم و جالب در رویارویی با این «جوزدگی»، تفاوت موجود در واکنش آدم‌هاست: انسان به واسطه برخورداری از قدرت «خیال»، معمولاً به مقایسه خود و زندگی خود با دیگران می‌پردازد. البته قوه خیال اگر پرورش یابد، به قوه «شهود» نزدیک می‌گردد. همچنان که قوه «وهم» در صورت پرورش یافتن، به «عقل» تبدیل می‌شود. به هر جهت خوب است که ما پادمان ماند که مسأله ما در این عالم، «داشتن یا نداشتن» نیست و اساساً برای موضوع مهم‌تری اینجا هستیم.

اگر کسی در پیست مسابقه «داشتن و نداشتن»، گرفتار جوّ سنگین ورزشگاه نشود، از نعمت بی‌بدیل «بی‌نیازی» بهره مند می‌گردد چندان که دیگر به جای گرفتاری در دایره «داشتن و نداشتن» نعمتی، به این می‌اندیشد که محرومیت از داشتن آن، چه خیرات و برکاتی را برایش در بر داشته است.

کلام آخر این که، در این دنیا هر نداشتنی خیراتی دارد همان‌گونه که هر داشتنی را آسیب‌هایی است.

برخی بهره‌مندی‌ها، قدرت بالارفتن از نردبان را به آدم می‌دهد اما نباید فراموش کرد که هرچه بالاتر برویم، افتادن مان، تلخ‌تر و دردناک‌تر خواهد بود.

<div><div> </div></div>	بی‌خود نیست می‌گویند هر میهمانی رزقش را با خود می‌آورد، میهمانان ناخوانده به گردان هم رزق خود را به همراه متن سوره کوثر باید دو ویژگی داشته باشد: ۱.عصر کوثر و ماندگاری و جریان آن.۲.عصر دشمنی با آن و ابتر شدنش.	<div><div> </div></div>
	آوردند. فضای کلاس پر شد از تمثیلات و مصداق‌های جزئی که می‌توانست متن‌های «کتابچه سوره مبارکه کوثر» را	

• **محبوب علی**

• **آتنا رضائی**

• **فاطمه صادقی قهریزی**